



2017/01/06



احسان الله میاں

## موقف جدید افغانستان در بازی سیاست منطقه

گمان می کنم، کمتر کسی، چی محقق و مؤرخ و یا علاقمند به گزارشات و سیر حوادث تاریخی در آسیای مرکزی و نیم قاره هند وجود داشته باشد که اثر پیتر هاپکیرک، Peter Hopkirk، روزنامه نگار انگلیس، را زیر عنوان «بازی بزرگ» از نظر نگذشتانده باشد.

این اثر را دو سه دهه قبل خوانده بودم که نسبت به تشریح زیبایی بعضی از گزارشات آن وقت، مطالب ثقه تاریخی به شکل رومان ترسیم گردیده، در ذهنم نقش گردیده که فراموش نمی شود.

در آغاز این اثر نویسنده الهام از نوشته مشهور رودیارد کیپلینگ، Joseph Rudyard Kipling، انگلیس که زیر عنوان کیم، Kim، شهرت جهانی کسب نموده، گذری نموده و بعد از آن با یک قوت عجیب قلمی از فعالیت های ابر قدرت زمان، انگلیس که چگونه توسط اجنت های انگلیسی راه های عبور و مرور و امکانات حملات روسیه تزاری بالای هند مستعمره طلائی را کشف و از آن نقشه برداری می کردند، ذهن خواننده را چنان تسخیر می کند که ماحول خود را فراموش می کند.

در این اثر از چگونگی تعیین اشخاص و تجهیز شان با وسایل نقشه گیری با چنان جزئیات آن بحث می شود که خواننده را از دید امروز بی محابا به خنده می آورد.

طور مثال اجنت بایست دارای محاسن و ملبس با البسه محلی بوده و با لسان مروج همان مناطق چنان وارد بوده که موجب اشتباه قرار نگرفته و در پیش آمد با مردم بومی کوچکترین اثری از بیگانه بودن وی به نظر آمده نتواند. اجنت ها طور عموم به نام تاجر سفر می کردند و با قافله کوچک ماه ها در کشور های آسیای میانه و نیم قاره در گشت و گذار بودند تا ارقام مورد ضرورت خود را با استفاده از ساده ترین وسایل، مانند ساعت و قطب نما، تهیه نموده و در بازگشت به هند از روی ارقام در دست داشته نقشه های خود را تهیه نمایند و به دسترس اولیای حربی بسپارند.

در آن برهه زمانی دو قدرت دیگر جهانی، روسیه و فرانسه در رقابت بالای مستعمره بزرگ انگلیس، هندوستان چشم دوخته بودند و سعی می نمودند تا از این سینی طلائی که انبار با ثروت هند بود، سهمی داشته باشند. ازینرو این دو قدرت با ترتیبات و حملات نظامی می کوشیدند تا در نیم قاره رد پای پیدا کنند که این آرزوی روس و فرانسه باعث نا راحتی حکمرانان انگلیس در هندوستان و لندن می گردید.

در طول قرن 19 و اوایل قرن 20 انگلیس های جزیره نشین اروپایی تلاش داشتند تا این مستعمره سرشار از ثروت خود را در برابر معاندین و چشم دوختگان روسی و فرانسوی حمایت کنند و نگزارند تا بیگانگان غیر انگلیس قدمی در خاک تحت سلطه شان بگذارند.

مختصر کلام انگلیس نه تنها با قوای نظامی خویش بلکه با قدرت سیاسی خویش تلاش می کرد که هندوستان را از حملات نزدیکترین دشمن، روسیه حفظ کند و بنحوی افغانستان را منحصی حایل بین دو قدرت زمان بپذیرند. از این اشاره ها، خود بحث بزرگی است، که بگذریم و بیائیم به وضع و حالت امروزی می بینیم که دنیای شکل دیگری به خود اختیار نموده و گزارشات آن زمان بیشتر به افسانه ها تعلق می گیرند.

طور مثال امروز هیچ قدرت جهانی ضرورتی احساس نمی کند تا بالوسیله اجنت های خود راه های عبور و مرور و یا سرحدات یک کشور را کشف و یا تشخیص کند. امروز ستلایت های کوچک و بزرگ در مدار زمین در چرخش استند که علاقمند با فشار یک دکمه بالای صفحه کلید کمپیوتر خود و ویب گوگل حتی موتر دهن دروازه یک شخص را در اکثر مناطق جهانی را روی صفحه مونیتر خود داشته باشد و از آن استفاده کند. سرحدات و خطوط مواصلاتی و قید و قیود بالای آن گذاشتن ارزش خود را از دست داده و کمتر کسی وقت خود را بالای آن ضایع می کند.

فراموش نکنیم که از سال 1947، در منطقه مربوط به ما افغان ها، به این طرف بزرگترین قدرت استعماری زمان به یک کشور نسبی کوچک تغییر شکل نموده و گلیم این قدرت از نیمقاره هند جمع شده و در این ماه های اخیر از اتحادیه اروپا نیز فاصله گرفته و کمتر کشوری در جهان بزرگترین قدرت زمان استعماری را به نظر قدرت با ارزش سیاسی می شمارد.

با درک این همه انکشافات در منطقه امروز کیف و کان مطالب در منطقه مربوط ما به اوج نسبی خود رسیده و افغانستان در محور و یا اگر گفته بتوانیم در گرداب حوادث چنان عمیق گیر آمده و گرفتار شده که خود این معضله برای جهان و رهبران آن خلق نموده است.

دو روز قبل خبری را در سایت «آریانا افغانستان آنلاین» از یک سایت روسی اقتباس و تعلق نمودم که حین مرور در خبر بنده را سخت تکان داد و همه زنگ های خطر را به صدا در آورد. در این خبر می خوانیم که:

« ضمیر کابلوف: اجازه تحقق اهداف امریکا در افغانستان را نمی دهیم

منبع – سپوتنیک 2017/1/4

ضمیر کابلوف، نماینده ویژه (خاص) رییس جمهور روسیه گفته که کشورش از موجودیت چندین پایگاه نظامی نیروهای امریکایی در افغانستان شدیداً نگران است. به گزارش مانیتورینگ خبرگزاری آوا، ضمیر کابلوف در گفتگو با آژانس خبری انادولی ترکیه گفته است که اگر روسیه در مکزیک (مکسیکو) اقدام به تاسیس پایگاه نظامی کند، این کار برای امریکا بسیار آزار دهنده خواهد بود. ما میدانم که هدف از ادامه حضور نظامی امریکا در افغانستان چیست و روسیه هیچگاه اجازه تحقق این هدف را نخواهد داد.

این دیپلمات بلند پایه روسی گفت که بعد از اینکه امریکا در سال ۱۹۷۹ میلادی از ایران به زور خارج شد، این کشور یکبار دیگر در پی یافتن یک پایگاه نظامی جدید در منطقه برآمد و افغانستان گزینه خوبی برای حضور نظامی امریکایی ها در منطقه بود. وی تاکید کرد که امریکا با حضور نظامی اش در خاک افغانستان در تلاش است تا به روسیه، چین، ایران و پاکستان نزدیک باشد. کابلوف گفته است: با موجودیت این پایگاه ها، امریکا میتواند فقط در ظرف دو یا سه هفته یکصد هزار عسکر را در این پایگاه ها مستقر نماید. اما بر اساس



پیمان امنیتی که میان افغانستان و امریکا امضا شده این کار تهاجم محسوب نمیشود. ما در اول نیز به افغانستان هشدار داده بودیم که امضای پیمان امنیتی پیامد هایی را به دنبال خواهد داشت. به خصوص اگر امریکا از این پایگاه ها علیه منافع ملی ما

ضمیر کابلوف- نماینده خاص رئیس جمهور روسیه

کار بگیرند. اما مقام های افغان گفتند که امریکایی ها تعهداتی را داشته اند، اما ما خوب میدانیم که تعهدات امریکایی ها چگونه هستند.

کابلوف در رابطه به ریاست جمهور دونالد ترامپ گفت: ما امیدواریم که دونالد ترامپ یک رویکرد جدیدی را در قبال افغانستان روی دست گیرد. امیدواریم وی به چندین مسئله مهمی که باعث نگرانی روسیه و کشورهای منطقه به شمول چین، ایران و پاکستان شده است بپردازد. در رابطه به گروه طالبان کابلوف گفت: در نخست باید بگوییم که طالبان مشابه همدیگر نیستند، شاخه های زیادی با ایدئولوژی و مفکور های متفاوت در صفوف طالبان وجود دارند. طالبان به همان لحن سخن میگفتند که امروز داعشی ها سخن میگویند. اما کابلوف تصریح کرد که رهبری فعلی طالبان و اکثریت از کسانی که در صفوف طالبان فعالیت دارند در واقع نیروهای محلی می باشند.

ضمیر کابلوف اظهار داشت: من صلح را در آینده این کشور می بینم، اما باید شرایطی در این پیوند فراهم گردد. وی افزود: نخستین موضوع این است که یک آینده صلح آمیز باید امروز ساخته شود. اگر در کمک های بین المللی تغییری بوجود نیاید و این کمک ها به افغانستان منجر به تقویت دولت، اقتصاد و ارتش نشود، افغانستان هیچ آینده ای ندارد. او گفت: افغانستان در ۲۰ سال آینده از هم پاشیده می شود و ما بدنبال این اتفاق نیستیم و این برخلاف منافع کشور روسیه و تمامی منطقه است. کابلوف در بخش دیگری از این مصاحبه خاطر نشان کرد: این موضوع می تواند بسیار خطرناک باشد و ما بر این باور داریم اگر این سه عامل در کنار هم تقویت شوند، صلح در افغانستان ایجاد می شود و در غیر این صورت افغانستان از روی نقشه محو خواهد شد، جنگ همه علیه همه رخ خواهد داد و بخش های از کشور اعلام استقلال خواهند کرد.» پایان مصاحبه

جمله ای از گزارش را یک بار دیگر تکرار نوشته می نمایم تا بدانیم که دو ابر قدرت ، کاریکاتور امیر شیر علی خان بین دو قدرت زمان در ذهنم تداعی نمود، در افغانستان چی در پیش دارند. خرس روس به حال اصلی



خود، زمان تزار و شهوت توسعوی وی،  
پیوند مجدد جزیره کریم از اوکراین را می  
توان مثال داد، و جانشین شیر استعمارگر  
به چهره پهلوی مبدل گردیده و بس.  
ببینید و با دقت بخوانید که ضمیر  
کابلوف می گوید:

«ما می دانیم که هدف از ادامۀ حضور نظامی امریکا در افغانستان چیست و روسیه هیچگاه

اجازه تحقق این هدف را نخواهد داد.»



بلی خوانندگان گرامی افغانستان بایست به  
حال خود متوجه شویم و بدانیم که تهاجم  
بالای افغانستان و نابود کردن مؤقتی طالبان،  
اجلاس بن و زاده تباه کننده آن، کرزی با باند  
مفیایی وی، روی محبت به چشمان زیبای  
افغان ها نبوده، بلکه در قبال آن پروسه های  
مکتوم بوده که امروز لبه از لحاف بالا شده و  
بالای آن روشنی می اندازد.

بیانید بدون اینکه شمه ای زیر احساسات ذهن خود را قرار دهیم از خود سؤال کنیم و به گوش مسئولین افغان در  
کابل و در نهایت در افغانستان برسائیم:

آیا وظیفه محوله قرن 19 و 20 افغانستان در سیاست منطقه انجام یافته و در آغاز قرن 21 دست اندر کاران پر  
قدرت دنیا بالای ما نظر دیگری را تطبیق و عملی می کنند؟ و یا چطور!

پایان